

## مقدمه \*

یکی از قدیم‌ترین کتابهای مستقل در باره داستانهای پیامبران، *قصص الانبیای نیشابوری* است که در مجموع، مشتمل است بر داستان پیامبران، احوال خلفای راشدین، خاندان عباس، یزید و حجاج بن یوسف. تألیف این کتاب منسوب است به ابواسحق ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری. تاریخ نگارش آن، بنا به حدس مصحح، قرن پنجم هجری است (یغمایی ۱۳۴۰: ۱۵). *قصص الانبیای* در سال ۱۳۴۰ش به کوشش مرحوم حبیب یغمایی و به همت بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ و منتشر، و از آن زمان، بارها تجدید چاپ شده است. این کتاب مشتمل است بر پنج صفحه فهرست مطالب و شش صفحه مقدمه و دو صفحه تصویر نسخه‌های خطی و ۴۷۸ صفحه متن و یک صفحه غلطنامه، و در پایان ده صفحه فهرست اعلام. مرحوم یغمایی متن را بر اساس عکس نسخه خطی‌ای آماده کرده که «اصل آن به شماره ۳۶۲ (مطابق فهرست بلوشه) در کتابخانه پاریس موجود است» (همان: ۱۴). این نسخه ۲۴۴ برگ دارد و کاتب آن عثمان بن الحاجی عمر بن الحاجی محمد بن شیخ ایوب است که در تاریخ یکشنبه سیزدهم جمادی الاخر سال ۶۶۹ هجری، کتابتش به پایان رسیده است (خلف نیشابوری، *قصص الانبیای*، ص ۴۷۸؛ نیز: دانش‌پژوه ۱۳۴۸: ۱۵۴). نسخه دیگری که به عنوان نسخه بدل مورد استفاده یغمایی قرار گرفته، نسخه عکسی کتابخانه نافذپاشا از کتابهای موقوفه باب‌الجدید به تاریخ کتابت ۷۶۴ هجری است (یغمایی ۱۳۴۰: ۱۵). یغمایی از سه نسخه دیگر، که ظاهراً از مؤلفان دیگر است، در تصحیح کارش سود برده است. این نسخه‌ها عبارت‌اند از ۱. نسخه دکتر مهدی بیانی، ۲. نسخه حسن نراقی، ۳. نسخه جعفر سلطان‌القرائی (همان: ۱۶).

این کتاب از نمونه‌های پرارزش نثر کهن دری به شمار می‌رود و از نظر اشتمال بر لغات و ترکیبات نادر و کهن فارسی شایسته توجه است. اهمیت دیگر *قصص الانبیای* در آن است که آثار گویش مؤلف یا کاتب همراه با اختصاصات زبانی ویژه‌ای در آن دیده

---

\* مؤلف در نگارش این مقاله از راهنمایی‌های ارزنده و بی‌دریغ دکتر علی‌اشرف صادقی بهره‌مند بوده است و سپاسگزاری از ایشان را بر خود فرض

می‌شود. با آنکه مرحوم یغمایی نهایت کوشش خویش را برای تصحیح کتاب به کار بسته و کوشیده است که «متن بی هیچ تحریف و تصرف به چاپ رسد» (همان: ۱۷) مقابله متن چاپی با عکس نسخه اساس که به شماره ۵۱ ۳۵۴۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، نشان می‌دهد که در برخی موارد ضبط‌های نسخه اساس در متن چاپی انعکاس نیافته است و از آنجا که ثبت و ضبط این موارد، می‌تواند جنبه‌های مبهمی از سیر تحولات تاریخی زبان فارسی را آشکار کند، نگارنده بر آن شد تا این موارد را طی مقاله‌ای عرضه نماید. این موارد را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:<sup>۱</sup>

۱. شماری از واژه‌ها مشمول تحولات آوایی شده و با شکل رایج آنها تفاوت صورت پیدا کرده‌اند. با در نظر گرفته نشدن تحولات آوایی صورت متداول آنها در متن چاپی آمده است، بی‌آنکه از شکل اصلی واژه در نسخه یاد شود.
۲. تعدادی از واژه‌های کهن، که ریشه در فارسی میانه دارند و یا به ریشه باستانی نزدیک‌اند، به شکل اصلی یا تحول‌یافته در این متن دیده می‌شوند و به سبب بی‌توجهی به اصل کهن، صورت دیگری از واژه در متن گنجانده شده است.
۳. شماری از واژه‌ها در نسخه مشکول است. تعدادی از این ضبط‌ها با تلفظ‌های متداول آنها در متون قدیم یا دوره‌های بعد متفاوت است، این تلفظ‌ها در متن چاپی منعکس نشده است.
۴. تعدادی از لغات در نسخه مشدد بوده که شماری از آنها به متن چاپی منتقل نشده است.
۵. در مواردی ضبط نسخه خطی نادرست بوده و در متن چاپی بی‌هیچ تذکری تصحیح شده است.
۶. متن چاپی گاه افزوده‌هایی نسبت به نسخه اساس دارد، بی‌آنکه بدانها اشاره شود.

---

۱. می‌توان گفت تقریباً تمامی این موارد در متن چاپی تغییر داده شده است، بدون آنکه مصحح در حاشیه کتاب به آنها اشاره کند.

۷. برخی نکات دستوری در تصحیح متن در نظر گرفته نشده است. قبل از ورود به بحث، ذکر دو نکته ضروری می‌نماید: نکته نخست آنکه بیان تمامی موارد اختلاف نسخه خطی با متن چاپی، باعث به درازا کشیده شدن سخن می‌گردد؛ بنابراین، نگارنده صرفاً به ذکر شماری از تصرفات مصحح پرداخته است و تطبیق کامل نسخه خطی و متن چاپی را به نوشتاری دیگر واگذار می‌نماید. همچنین مواردی که بررسی آنها از نظر تاریخ زبان فارسی حائز اهمیت است، با شرح بیشتری آمده و نگارنده کوشیده است برای بیان قوانین حاکم بر برخی واژه‌ها، از واژه‌های بعضی متون کهن و معتبر — که قواعد آوایی یکسانی بر آنها و واژه‌های مورد نظر حاکم است — بهره گیرد.

